

## Types of Sentences

در انگلیسی جملات از نظر ساختمان به چهار گونه تقسیم می‌شوند:<sup>۱</sup>

۱. جملات ساده (Simple Sentence)

۲. جملات مرکب (Compound Sentence)

۳. جملات پیچیده (Complex Sentence)

۴. جملات مرکب پیچیده (Compound-Complex Sentence)

### ۱. جملات ساده (Simple Sentence)

جملات ساده جمله‌هایی هستند که از یک مبتدا (subject)، که فاعل جمله است<sup>۲</sup> و یک خبر (predicate)، که ادامه جمله است و فعل، مفعول و دیگر متعلقات آن را در بر می‌گیرد، تشکیل شده است و از نظر شیوه بیان به چهار دسته تقسیم می‌شود:

الف) بیان یا خبر (statement): این گونه از جمله‌ها، جمله‌های خبری (اظهاری) (Declarative/ Assertive Sentences) نام دارند. جمله‌های خبری جملاتی هستند که خبر آن‌ها، چه مثبت و چه منفی، حاکی از امری قطعی و خالی از شک و تردید است؛ مثال:

a) He lives in New York.

s.(subject) p.(predicate)

b) He is an active man.

s. p.

مثال از متن درس

c) Each one of these is in its turn greater than the limit of our knowledge ...

s. p.

ب) پرسش (question): این گونه جملات، جمله‌های استفهامی (Interrogative Sentences) نام دارند

و بیانگر پرسش هستند؛ مثال:

a) How old are you?

p. s.

b) Is he an active man?

p. s. p.

مثال از متن درس

c) What need provokes us to consider religion?

p. s.

ج) درخواست (request): این گونه جملات جمله‌های امری (Imperative Sentences) نام دارند، که حاکی از تقاضا، توصیه، اندرز و امر واقعی هستند؛ مثال:

a) Please close the door. (فاعل you مستتر است.)

p.

b) Watch out the reckless drivers. (فاعل you مستتر است.)

p.

(فاعل we مستتر است.) c) Let us consider each of these two points. → مثال از متن درس

p.

### وجه امری (Imperative Mood) Requests and Commands

وجه امری بیان عملی به صورت خواهش، تقاضا، پند و اندرز، التماس و دعا و بالاخره امر واقعی است. برای ساختن وجه امری کافی است از مصدر ساده استفاده شود؛

نکته (۱): امر واقعی برای دوم شخص (مفرد و جمع) است؛ مثال:

Open the door. → شکل مثبت

Don't open the door. → شکل منفی

نکته (۲): برای اشخاص دیگر از فرمول زیر استفاده می‌کنیم:

مصدر بدون to + ضمیر مفعولی + Let

Let us eat / Lets eat. بخوریم

Let me eat. بخورم

Eat. بخورید (امر واقعی)

Eat. بخور (امر واقعی)

Let them eat. بخورند.

Let him eat. بخورد

شکل منفی حالات فوق به شکل زیر است:

Let him not eat.

Let me not eat.

نکته (۳): برای تأکید در شکل مثبت از do استفاده می‌کنیم؛ مثال:

Do try.

نکته (۴): عبارت‌های will (would) you please و shall I / you... در ابتدا و انتهای جمله امری

رای وجه امری مؤدبانه به کار می‌روند؛ مثال:

Pass me some sugar please.

لطفاً مقداری شکر بده.

Let us have some coffee, shall we?

ممکن است قهوه بنوشیم؟

د) نداء، تعجب، ترس، شادی، هیجان و ... (exclamation): به این گونه جملات، جمله‌های ندایی

(Exclamatory Sentences) گویند، که بیانگر نداء، تعجب، ترس و ... هستند؛ مثال:

a) What a terrible temper she has!

b) How sweet is the rose!

مثال از متن درس → c) (Oh) God! Thanks for all benefits you grant us.

نکته: یک جمله ندایی ممکن است با what یا how شروع شود؛ مثال:

What delicious fruit this is!

What delicious pineapples these are!

What a delicious pineapple this is!

How graceful he is!

How gracefully she speaks!

مثال از متن درس → What a powerful and great creator this universe has!

## ۲. جملات مرکب (Compound Sentences)

جملات مرکب جملاتی هستند که از ترکیب دو جمله ساده یا بیش‌تر، که به گونه‌های زیر با یکدیگر

مرتبط می‌شوند، تشکیل می‌شوند:

الف) با علائم سجاوندی (Punctuation)  
مثال:

a) The weather was very bad; all classes were canceled.

در این مثال علامت «;» به معنای therefore است.

→ b) Clearly, the words of the messengers, if they do not

make a man certain, at least provoke him to think; perhaps what they say is true.

در این مثال «:» به معنای that است. توجه داشته باشید که در این جا، قسمت اول جمله (یعنی تا پیش

از دو نقطه) خود یک جمله مرکب است؛ دو جمله ساده با قید ربطی if با یکدیگر ترکیب شده و یک جمله مرکب را به وجود آورده است.

ب) با علائم سجاوندی و قیده‌های ربطی (Punctuation and Conjunctive Adverbs)  
مثال:

a) The weather was very bad; **therefore** all classes were canceled.

→ b) The messengers say **that** sins and transgression have their

penalty; **therefore** we must give weight to their fears and threats.

(در جلسه آینده با قیده‌های ربطی و عملکرد هر کدام آشنا خواهیم شد.)

ج) با حروف ربطی (coordinate conjunctions)  
این حروف ربطی عبارت‌اند از: for, so, yet, but, or, and

مثال:

a) The weather was very bad, **so** classes were canceled.

b) The child came **and** told me.

c) I immediately jumped up **and** left the room.

→ d) The discomforts educate the spirit of man, **for** man is tried in

the difficulties

### قیده‌های ربطی (Conjunctive Adverbs)

(ادامه بحث جلسه پیشین)

در جلسه پیشین با نقش قیده‌های ربطی در ارتباط دادن دو یا چند جمله و تشکیل جملات مرکب آشنا شدیم. اکنون مهم‌ترین این قیود و عملکرد هر کدام را به صورت خلاصه ذکر می‌کنیم:

Function	Conjunctive Adverbs
Addition (جمع)	moreover, in addition, besides
Condition (شرط)	otherwise
Concession (پذیرش)	however, still, nevertheless
Result (نتیجه)	therefore, consequently, accordingly

نمونه‌هایی از متن درس (عبارت کامل هر نمونه را می‌توانید در متن درس مشاهده کنید).

**Moreover**, they were mistaken in dividing creation into two compartments - good and evil.

**However**, they were unaware that in this belief they were guilty of the polytheism mentioned in the previous chapter.

**Therefore**, if we find hardship in these sensations, we should understand that they serve as a red warning lamp.

## علائم سجاوندی (Punctuation)

در جلسات پیشین گفته شد که یک گونه از ترکیب دو یا چند جمله، با استفاده از علائم سجاوندی است. اکنون بر این نکته تأکید می‌شود که نقش این علامت‌ها در فهم دقیق عبارات بسیار مهم است و توجه به معنای هر کدام و قیدها و عبارت‌های ربطی پیش و پس از آن‌ها، از جمله کلیدهای درک متون انگلیسی است. به این نمونه توجه کنید:

Ali was sick; he didn't come to school.

معنای این جمله این‌گونه است: علی مریض بود، بنا بر این به مدرسه نیامد. با وجود این که پس از نقطه ویرگول، هیچ قیدی نیامده است اما در ترجمه، معنای «بنا بر این» را که یک قید ربطی است می‌آوریم.

همین جمله را به صورت زیر هم می‌توان نوشت:

Ali was sick; therefore he didn't come to school.

علی مریض بود، بنا بر این به مدرسه نیامد. قید therefore، که پس از نقطه ویرگول آمده است، به معنای نتیجه‌گیری از جمله پیش از خود است. در همین جمله اگر به جای نقطه ویرگول از ویرگول استفاده کنیم، آوردن قید so در جمله دوم ضروری است:

Ali was sick, so he didn't come to school.

علی مریض بود، بنا بر این به مدرسه نیامد. ملاحظه می‌شود که با تغییر علائم سجاوندی در جمله و برای این که معنای جمله ثابت بماند، چگونگی استفاده از قیدها نیز تغییر می‌کند. نمونه‌هایی از متن درس:

It is these discomforts that educate the spirit of man, *for* it is in the fire of difficulties that man is tried and strengthened and his soul matured.  
نکته: کلمه ربطی *for* در ابتدای جمله و پس از ویرگول، به معنای *because* است. (این کاربرد برای کاربرد دیگری شایع است.)

## جملات پیچیده (Complex Sentences)

جمله‌های پیچیده به جمله‌هایی گفته می‌شود که شامل یک جمله پایه (main/principle sentence) و یک یا چند جمله پیرو (subordinate clause) هستند.<sup>۱</sup> جمله پیرو دارای نهاد و گزاره است و با کلمه‌ای که این جمله را به جمله پایه ارتباط می‌دهد آغاز می‌شود. جمله پیرو به وسیله ضمائر موصولی *where, when, that, which, who* به جمله پایه متصل می‌شود؛<sup>۲</sup> مثال:

He said **that** he would see me.

This is the man **who** teaches English.

جمله پیرو می‌تواند به صورت‌های قیدی، وصفی یا اسمی با جمله اصلی در ارتباط باشد؛ به عبارت دیگر می‌تواند وظیفه قید، صفت یا اسم را برای جمله اصلی ایفا کند. به حالت‌های زیر توجه کنید:<sup>۳</sup>  
الف) جمله قیدی (*adverbial clause*): جمله قیدی وظیفه قیدی دارد و مانند یک قید می‌تواند فعل، قید یا صفت دیگر را توصیف کند. این جمله‌ها می‌توانند برای بیان زمان، مکان، چگونگی، اثر و نتیجه، تضاد، قصد، وسیله و آلت و علت و سبب امری به کار روند؛ مثال:

Ali arranged the books **with care**.

We succeeded in spite of their discouraging.

All classes were canceled **because the weather was bad**.

مثالی از متن درس:

It must have a founder and a creator, because this marvelous order and harmony cannot be the result of an aimless accident.

ب) جمله وصفی (adjective clause): جمله وصفی وظیفه صفت را انجام می‌دهد؛ یعنی می‌تواند اسم یا ضمیری را توصیف کند؛ مثال:

He is the man who is my English teacher.

He **who shakes** falls.

Children **who are under twelve years** must be accompanied by their parents.

مثالی از متن درس:

This springs from this pure nature which seeks the original cause and source so as to worship it.

ج) جملات اسمی (noun clause): این گونه جملات وظیفه اسم (فاعل، مفعول و ...) را انجام می‌دهند؛ مثال:

I was interested **in what he told me**.

I can't understand **why such a thing did**.

The text says to us why man leaves the worship of one God.

### جملات مرکب پیچیده (Compound-complex Sentences)

این گونه از جملات از ترکیب دو یا چند قضیه اصلی و یک یا چند جمله قضیه فرعی تشکیل می‌شوند؛ مثال:

All classes were canceled because the weather was bad, and students were told to listen to the radio to find out when classes would begin again.

نکته: توجه داشته باشید که در متون انگلیسی تخصصی بیش از همه با جملات پیچیده و مرکب پیچیده سروکار داریم. درک دقیق این جملات مستلزم شناخت جملات پایه و پیرو و فعل و فاعل اصلی جمله است. توجه به مثال زیر که از جلسه چهارم انتخاب شده است، هضم این نکته را آسان تر می‌کند:

One who knows that God is One and believes that He is Aware of everything and has Power to do everything and believes that all creatures are formed and made by Him, will, because of this, never give allegiance to other things.

در این نمونه، one فاعل (نهاد) اصلی، will never give فعل اصلی، و در واقع will never give allegiance گزاره اصلی ما است. تمام جملات دیگر (از who تا Him) قضایای تبعی هستند که هر کدام در دل خود از چند قضیه فرعی دیگر مرکب شده‌اند. because of this نیز یک عبارت قیدی است.

## حروف ربطی مقایسه‌ای (Paired Coordinate Conjunctions)

در جلسات پیشین گفته شد که یکی از کارکردهای حروف ربطی **for, so, yet, but, or, and** و ... در ارتباط بین دو یا چند جمله و ایجاد یک جمله مرکب است؛ مثال:

Her long illness **and** slow recovery made her very despondent.  
She doesn't like to get up in the morning **or** to go to bed at night.

He told us that his wife had been in an accident **but** that luckily she had not been hurt.

برخی از حروف ربطی به عنوان حروف ربط هم‌پایه (Paired Coordinate Conjunctions) در جملاتی که دو طرف مساوی دارند (parallel forms) به کار برده می‌شوند. آشنایی با این گونه حروف در درک بهتر متنهای انگلیسی به ویژه متنهای تخصصی حائز اهمیت است. برخی از مهم‌ترین این حروف عبارت‌اند از:

**both.....and**

**(n)either.....(n)or**

**not only.....but also**

به این ترتیب، هرگاه در جمله‌ای با **طرف اول** یکی از حروف مذکور رو به رو شدیم در جستجوی **طرف دیگر** آن هستیم؛ یعنی، برای نمونه اگر در جمله‌ای **not only** وجود دارد، باید بدانیم که به یقین **but also** نیز در آن جمله وجود دارد و فهم دقیق معنای جمله با در نظر گرفتن هر دو طرف این حروف صورت می‌گیرد.  
مثال:

a) The Quran is recognized by All Muslims, **both** Sunni **and** Shia, as the sacred book descended to Muhammad.

b) They are **either** at their country home **or** at work.

c) **neither** too short **nor** too long.

d) I am **not** going to work today, **nor** my brother.

**not only..... but also**

در این جا به یکی از حروف ربطی مقایسه‌ای، که برای درک معنای جمله باید هر دو طرف آن در نظر گرفته شود؛ یعنی: **«Not only.....but also»** به معنای «نه تنها ..... بلکه»، با استفاده از نمونه‌هایی از متن جلسات ۷ و ۱۱ می‌پردازیم:

a) Regarding what we have said, we reach the conclusion that one must not assume from a cursory glance that things are useless, but that one must try to understand the effects of creation as a part of one complete system, **not only** in the present **but also** connected with the past and the future.

b) The task of providing such a guide is made difficult **not only** by the complexity and chaos that characterizes the modern world, **but also** by the fact that parallel with the domination of the Muslim world by the West, Muslims have come to forget many aspects of their own religious teachings.

c) The Muslims of earlier generations **not only** did not suffer from many of the problems faced today, **but** were **also** more fully aware of many dimensions of the teachings of Islam which provided for them a complete worldview and satisfied their need for causality, for the explanation of the nature of things, and for the meaning of life.

دیگر حروف ربط هم‌پایه عبارت‌اند از:

and, both, or, as well as, no less than, but, still, yet, however



## Note

### Although ....., .....

در جلسهٔ پیشین بر این نکته تأکید شد که برخی از حروف ربطی به صورت مقایسه‌ای و دوطرفه به کار می‌روند و درک معنای جمله مستلزم شناخت هر دو طرف این حروف می‌باشد. یکی از عباراتی که معمولاً در جملات انگلیسی بسیار به کار می‌رود و همواره دارای دو طرف است، عبارت ..... Although به معنای «اگر چه» است. در مقایسه با متون فارسی هر گاه این واژه در ابتدای جمله‌ای بیاید، طرف دیگر جمله با «اما» آغاز می‌شود. در متون انگلیسی نیز چنین جریانی صادق است، با این تفاوت که دیگر از «but» به معنای «اما» استفاده نمی‌شود، بلکه ویرگول «،» قبل از جمله معنای «اما» را می‌رساند. به نمونهٔ ذیل که از متن درس انتخاب شده است توجه کنید:

**Although** during the past few decades nearly the whole of the Islamic world has gained its political independence, the philosophical, cultural, artistic, political, economic, and social impact of the domination of the modern West continues in one way or another through the width and breadth of *dār al-islām*, threatening not only the traditional institutions of Islamic society, but the Islamic religion itself.

ملاحظه می‌شود که در این مثال اولین ویرگول به نشانهٔ تمام شدن قسمت اول جمله و شروع قسمت بعدی است که در ترجمه «اما» را اضافه می‌کنیم:

«اگر چه در طول چند دههٔ گذشته تقریباً سراسر دنیای اسلام استقلال سیاسی خود را به دست آورده

است، اما ...»

دو نمونهٔ دیگر

**Although** the messengers made men fearful of the hardships and perils of Resurrection and the harshness of the punishment there, some pay no attention to them and continue to commit sins.

**Although** *hadīth kudsī* is said to contain God's words, it differs from the Kur'ān.

نکتهٔ فوق برای تمام واژه‌ها و عبارات ذیل، علاوه بر *although*، نیز صادق است:

Though  
Even though  
Even if  
In spite of the fact that  
Despite of the fact that  
Notwithstanding (the fact) that

مثال:

**In spite of the fact that** the government was weak at that time, law and order were maintained.

**Notwithstanding the fact that** the government was weak at that time, law and order were maintained.

## جملات وصفی (Adjective Clauses) یا جملات موصولی (Relative Clauses)

بدون شک تاکنون به جمله‌هایی برخورد کرده‌اید که برای توصیف شخصی، شیئی، جایی، زمانی و علتی به کار می‌روند و به نوعی تکمیل‌کننده معنای جمله پیشین و مرتبط با آن هستند. این جمله‌ها، که به جمله‌های وصفی شهرت دارند، با ضمائر موصولی (موصول‌های) مشروح ذیل آغاز می‌شوند و آنچه را پیش از این نام بردیم، توصیف می‌کنند:

### 1. A person                      who (whom or whose) / that

He paid the money to the man who / that had done the work.

He paid the man whom / that he had hired.

He paid the man from whom he had borrowed the money.

This is the man whose picture you saw.

### 2. A thing                      which / that

Here is a book which / that describes animals.

The chair which / that he broke is being repaired.

She was wearing the coat for which she had paid \$2000.

### 3. A time                      when

This is the year when the Olympic Games are held.

### 1. A place                      where

Here is the house where I live.

### 2. A reason                      why

Give me one good reason why you did that.

نمونه‌هایی از درس:

The result of this conjunction of conditions is that many aspects of the Islamic tradition **which** are crucial for an in-depth understanding of the modern world and for providing Islamic answers to present day issues have come to be eclipsed and forgotten.

## اختصار در جملات وصفی

در جلسات پیشین به جمله‌های وصفی اشاره کردیم. در این جا قصد داریم تا به یکی از نکات مهم و بسیار کاربردی که بسیاری از خوانندگان متون انگلیسی به ویژه متون تخصصی در درک و ترجمه آن دچار اشکال فراوان هستند، پردازیم؛ چرا که در متون انگلیسی واژه‌ها و جمله‌ها به کوتاه‌ترین وجه ممکن نوشته می‌شوند تا در کم‌ترین عبارت بیش‌ترین و بهترین معنا القا شود. آن نکته این است که جمله وصفی در بسیاری از موارد به صورت خلاصه نوشته می‌شود؛ به این معنا که موصول (wh) آن حذف و از حالت یک جمله وصفی به عبارتی خلاصه و کوتاه، که با استفاده از وجه وصفی فعل اصلی با همان معنای پیشین ساخته شده، تبدیل می‌شود. پیش از آن که به توضیح این نکته پردازیم باید بدانیم که وجه وصفی بر دو گونه است:<sup>۱</sup>

۱. وجه وصفی فاعلی (present participle)

۲. وجه وصفی مفعولی (past participle)

برای ساختن وجه وصفی فاعلی به آخر مصدر ساده، ing اضافه می‌کنیم:

**writing, coming, washing, teaching**

برای ساختن وجه وصفی مفعولی از شکل سوم فعل استفاده می‌کنیم:

**written, washed, taught**

نکته‌ای که در این درس مورد نظر است این است که در وجه وصفی فاعلی و مفعولی برای اختصار و زیبایی جمله‌ها در بیش‌تر مواقع جمله وصفی از حالت wh دار خود خارج و تا حد امکان خلاصه می‌شود. برای آنکه ترجمه‌ای دقیق داشته باشیم آن را به همان صورت اصلی‌اش ترجمه می‌کنیم.

۱. وجه وصفی فاعلی (present participle)

در حالت اول یعنی در وجه وصفی فاعلی دو حالت برای فعل متصور است:<sup>۲</sup>

الف) فعل استمراری؛ نمونه:

The woman **who is washing** the dishes is our new cook.

The woman **washing** the dishes is our new cook.

ب) فعل حال ساده؛ نمونه:

Anyone **who violates** this law will be punished.

Anyone **violating** this law will be punish.

در تمامی حالات برای اختصار جملات وصفی در حالت اول؛ یعنی استمراری معلوم و مجهول، موصول به همراه to be پس از آن حذف می‌شود. و در حالت دوم؛ یعنی فعل حال ساده، موصول حذف و فعل از حال ساده به فعل ing دار تبدیل می‌شود.

مثال‌هایی از متن جلسات ۸، ۹ و ۱۱:

a) It is a simple and uncomplicated religion, **giving (which gives)** one maximum freedom without encroaching on the freedom of others.

b) There are 114 chapters, and 6226 verses, **containing (which contains)** 99,464 words made up of 3, 30, 110 letters.

c) A tradition **telling (that tells)** that on the Day of Resurrection God will say, "O son of Adam, I was sick and you did not visit me."

در جلسه آینده به وجه وصفی مفعولی (past participle) خواهیم پرداخت.

## Who + to be + p.p.

از جمله نکته‌های مهم در ساختارشناسی عبارت‌های انگلیسی آن است که در جمله‌های موصولی هرگاه ترکیب «موصول + to be + اسم مفعول» به کار رود، در بیش‌تر موارد «موصول» و «to be» حذف می‌شوند. به نمونه ذیل توجه کنید:

The prisoner who was arrested last year is speaking on TV.

با حذف موصول و to be خواهیم داشت:

The prisoner arrested last year is speaking on TV.

این کاربرد باعث زیبایی و اختصار جمله‌ها می‌شود.

## نمونه‌هایی از متن درس

With the criteria of truth **provided (which is provided)** by Islam at hand, one can be discerning when confronted with the various components of the present day world.

One can understand the challenges **posed (which are posed)** by different forces and ideologies to the Islamic worldview and seek to provide an Islamic answer to them.

## کاربرد ضمائر موصولی به عنوان مفعول حرف اضافه (Relative Pronouns as Objects of Prepositions)

اگر فعل جمله وصفی مشتمل بر حرف اضافه‌ای باشد که به مرجع ضمیر موصولی بر می‌گردد، حرف اضافه را پیش از موصول قرار می‌دهند. مثال:

The doctor **to whom** she sent her friend is a well-known specialist.

حرف اضافه sent است که به جهت برگشت آن به موصول، پیش از موصول قرار داده شده است.

The tree **under which** he is standing is a very old one.

حرف اضافه stand است که به جهت برگشت آن به موصول، پیش از موصول قرار داده شده است.

The company **for which** she works employs many people.

حرف اضافه work است.

Prof. Hamidi, **about whom** everyone is talking these days, has written a very controversial book.

حرف اضافه talk است.

## نمونه‌هایی از متن این جلسه و جلسه پیشین

The path of those **upon whom** thou hast bestowed favours.

Not (the path) of those **upon whom** thy wrath is brought down, nor of those who go astray.

We hope that this humble effort will help those **to whom** it is addressed to understand better the world **in which** Allah has placed them and **to be able to** carry the torch of Islam **in that world** as our ancestors did in the many centuries which separate us **from** the advent of the Quranic revelation.